



پس چه باید کرد ای اقوام شرق

ندای اسلام

شماره ۱۴ • تابستان ۸۲



اتفاق زمامداران کشورهای اسلامی دست‌نشانده و نمک‌پرورده آمریکا هستند، اما این خطر وجود دارد که مبدا موج بیداری اسلامی فراگیر شود و در برابر تک قطبی بودن آمریکا قد علم کند. بنابر این، علاج واقعه را قبل از وقوع باید کرد و خطر را باید در نطفه خفه نمود و نفس راحتی کشید.

تأسف اینجاست که همه این جنایات با کمال بی‌شرمی به نام آزاد سازی کشورها و ملت‌ها انجام می‌گیرد.

اسفناک‌تر از همه این که حجم تبلیغات چنان گسترده است که خیلی از فریب خوردگان در کشورهای اسلامی نه تنها زمینه را برای دشمن مهیا می‌سازند، بلکه منتظرند مقدم دشمن را گرامی داشته و راهش را گلباران نمایند.

دکتر اقبال شاید درباره همین‌ها گفته است که در حرم زاده‌اند اما ارادتمند کلیسا می‌باشند:

در حرم زاد و کلیسا را مرید
پرده ناموس ما را بردرید
دولت اغیار را رحمت شمرد
رقص‌ها گیرد کلیسا کرد و مُرد

اکنون این سؤال مطرح است که آیا جهان اسلام با وضعیت موجود سازش می‌نماید؟ آیا ملت‌ها و دولت‌ها همچنان به سکوت مرگبارشان ادامه می‌دهند؟ و آیا اندیشمندان، فرهیختگان و سیاستمداران اسلامی همچنان بی‌تفاوت ادامه حیات می‌دهند؟ و به صرف تحلیل و بررسی اوضاع و به پیش‌بینی و پیش‌گویی بسنده می‌نمایند. آیا دولت‌مردان و رهبران کشورهای اسلامی با آنکه می‌دانند، نوبت آنها نیز فرا می‌رسد، باز هم امیدوارند با دادن باج و خراج مناسب بتوانند خطرا را بر طرف سازند؟

بهر حال دنیای جهان اسلام به یک آزمایش بی‌سابقه مبتلا شده است. بشریت به سوی آن نگاه دوخته تا ببیند

بدون تردید جهان اسلام بعد از تهاجم تمام عیار آمریکا به افغانستان و عراق و تسخیر اسفناک این دو کشور توسط آمریکا و انگلیس، وارد مرحله جدیدی از بحران شده و موقعیت دینی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و جغرافیایی آن با خطری جدی روبرو گشته است. دقیقاً قایل پیش‌بینی نیست که آمریکا و انگلیس چه کشورهایی را بعد از عراق طعمه اهداف سلطه‌جویانه خود قرار خواهند داد، و بالاخره بوم خطر بر بام چه کشوری بال و پر خواهد گشود.

از روند اوضاع و اظهارات مستکبرانه سردمداران کفر و ظلم چنین بر می‌آید که آنها هنوز با جهان اسلام کار دارند. صاحب‌نظران معتقدند که آمریکا می‌خواهد خاورمیانه را با منابع عظیم نفتی آن کاملاً در اختیار بگیرد؛ طبق محاسبات آمریکاییها نفت عراق تا ۹۸ سال دیگر جوابگوی مصرف داخلی آمریکا خواهد بود.

تغییر فرهنگ مشرق زمین و تغییر نقشه سیاسی و جغرافیایی خاورمیانه به منظور تأمین منافع آمریکا، در رأس برنامه‌ها قرار دارد. حفظ موجودیت اسرائیل و فراهم نمودن بستر امنیتی کامل برای آن، از جمله اهداف بزرگ آمریکا بشمار می‌رود.

آمریکاییها اهداف خود را چنان مهم و مقدس می‌شمارند که در راه رسیدن به آن از هر وسیله‌ای استفاده می‌کنند. برای آنان بسیار لذت‌بخش است که خون هزاران نفر بناحق ریخته شود، خانه‌ها ویران گردد، سرمایه‌های بی‌شماری بر باد رود، و هزاران آرزو دفن گردد. باران مصایب بر ملت‌های بی‌دفاع بیارد، کودکان معصوم و زنان خانه‌دار زیر آوارها زنده به گور شوند و بیماران در بیمارستان‌ها به کام مرگ فروروند.

منطقی که این همه جنایات و امثال آن را توجیه می‌کند، این است که گرچه جهان اسلام فعلاً خطری جدی برای آمریکا و اسرائیل محسوب نمی‌شود و اغلب قریب به

✓ آمریکاییها
اهداف خود را
چنان مهم و
مقدس
می‌شمارند که در
راه رسیدن به آن
از هر وسیله‌ای
استفاده می‌کنند.

که چگونه از این امتحان موفق در می آید، قلم مورخ نیز آماده است که چگونگی برخورد حکومت‌ها و ملت‌های مسلمان را با اوضاع موجود ثبت و ضبط نماید و به آیندگان تحویل دهد.

امروز یک مسلمان واقعی از توطئه آمریکا و تحقیر آن چندان رنج نمی‌برد که از بی‌تفاوتی خود مسلمانان و سران بی‌کفایت کشورهای اسلامی رنج می‌برد.

متأسفانه بر اثر تلاش‌های بی‌وقفه غریبه‌ها، امروز افرادی در اغلب کشورهای اسلامی بر اریکه قدرت نشسته‌اند که گیاه غیرت، خیلی پیش در بوستانشان خشکیده است. آنها جز برای حفظ قدرت و بدست آوردن مال و ثروت به چیزی دیگر نمی‌اندیشند.

اسفناک‌تر از همه اینکه احزاب و گروه‌های اسلامی هر کدام در لاک خود فرو رفته‌اند و اگر هم فعالیت می‌کنند بیشتر در جهت رشد و توسعه حزب و گروه و تأمین منافع حزبی و گروهی‌شان است تا همدردی و غمخواری با توده‌های مسلمانان و اصلاح وضعیت مسلمانان.

نظام تعلیم و آموزش همچنان عقیم و راکد می‌باشد. استعداد‌های درخشان و مغزهای متفکر و نابغه همچنان در سرگردانی بسر می‌برند، و یا توسط بیگانگان در مقابل دریافت حقوق‌های کلان به نفع غیر مسلمانان فرسوده می‌شوند و از بین می‌روند. اعتماد مغزهای نخبه به دولت‌های بیگانه بیشتر است تا دولت خودشان.

عموم مسلمین فاقد درک و شعور سیاسی درست بوده و سعادت را فقط در رفاه دنیوی و تأمین خواسته‌های مادی خلاصه می‌بینند، و نسبت به ارزش‌های اسلامی بی‌اعتنا می‌باشند.

اینجاست که دولتمردان غیور امت و مصلحان جامعه و اندیشمندان دلسوز و آثانی که ذره‌ای غیرت اسلامی در خود احساس می‌کنند باید با نگرشی نوین وارد میدان شوند، و بدون ضایع کردن فرصت دست به اقدام و فعالیت بزنند.

معورهای اولویت طلب

(۱) تجدید نظر کلی در شیوه نظام آموزشی در کشورهای اسلامی: متأسفانه چندین دهه می‌گذرد اما اغلب کشورهای اسلامی نتوانسته‌اند نظام آموزشی مستقلی که با روح تعالیم اسلامی سازگار باشد تدوین

نمایند. بنا به تشخیص صاحب‌نظران شیوه فعلی آموزش، غربی است و هرگز نمی‌تواند نسل مطلوبی را پرورش دهد که برای پیشبرد اهداف بزرگ اسلام قیام نماید.

دانشمند معروف اتریشی‌الاصل، محمداسد، که یکی از منتقدان صاحب بصیرت می‌باشد. در این باره چنین می‌گوید:

«جای تردید نیست که جوانانی که در ممالک اسلامی به شیوه غربی آموزش دیده‌اند و به اصطلاح روشنفکر نامیده می‌شوند، اعتقاد مذهبی‌شان بسیار سست و ضعیف است و هر لحظه ضعیف‌تر می‌شود.»^(۱)

مستشرق معروف «جیب» نیز به واقعیت فوق اعتراف نموده می‌نویسد: «ما نتایج شیوه آموزش غربی را در کشورهای اسلامی شرقی، آزموده‌ایم و از تجربیات خود در مورد تأثیر گام به گام این آموزش روی افکار رهبران سیاسی و به مقدار کمی روی رهبران مذهبی آموخته‌ایم.»^(۲)

متفکر بزرگ جهان اسلام، علامه سیدابوالحسن علی ندوی رحمته‌الله می‌فرماید: «به نظر ما تنها راه حلی که برای گشودن این مشکل هست این است که در شیوه آموزش فعلی تجدید نظر شود و اصلاحات لازم بعمل آید، و ایده و عقیده و اهداف عالی‌ه اسلامی در آن منظور گردد.» ایشان بعد از ارائه یک پیشنهاد جامع درباره نظام تعلیمی آموزشی، صریحاً می‌فرماید انقلاب فکری و آموزشی ریشه‌داری که پیشنهاد گردید هرگز قابل تأخیر نیست حتی یک روز هم تأخیر در مورد آن روا نیست.»^(۳)

۲- ایجاد شعور و درک سیاسی در میان توده امت؛ امروزه وضعیت طوری شده است که توده مردم از بی‌اعتمادی نسبت به دولت‌هایشان رنج می‌برند، علت این بی‌اعتمادی مقداری به عملکرد خود دولتمردان بر می‌گردد و مقداری به تبلیغات گسترده رسانه‌های غربی و غرب زده، به همین دلیل است که ملت‌ها اغلب از شعارهایی مانند آزادی سیاسی، توسعه اقتصادی و غیره فریب خورده و قدرت‌های بیگانه را استقبال می‌نمایند؛ قدرت تشخیص‌شان ضعیف و آسیب‌پذیر است و معیار درست و ثابتی بر اذهانشان حاکم نیست.

به رسانه خبری بیگانه بیشتر اعتماد دارند تا خودی، و

۱- ارزیابی تمدن غرب به نقل از الاسلام علی مفترق الطرق.
۲- همان مدرک، به نقل از الانتجاهات الوطنیه فی الادب المعاصر.
۳- الصراع بین الفکره الاسلامیه و الغربیه، ص: ۲۹۰.

✓ امروز

یک مسلمان

واقعی از توطئه

آمریکا و تحقیر

آن چندان رنج

نمی‌برد که از

بی‌تفاوتی خود

مسلمانان و

سران بی‌کفایت

کشورهای

اسلامی رنج

می‌برد.

این یک مصیبت بزرگ است که هر چه سریعتر باید درباره آن چاره‌اندیشی نمود.

اندیشمند شهیر، علامه ندوی، در کتاب گرانسنگ «ماذا خسر العالم بانحطاط المسلمین»، درباره اهمیت این موضوع می‌نویسد: «بزرگترین خطری که یک ملت را تهدید می‌کند و آن را در معرض هر خطری قرار می‌دهد و بازیچه منافقان می‌گرداند، همانا فقدان درک و شعور سیاسی در آن ملت است زیرا وقتی یک ملت فاقد درک و شعور سیاسی گردید آنگاه به هر صدایی لبیک می‌گوید و با هر موجی حرکت می‌کند و در مقابل هر ظالمی سکوت می‌نماید و هر نوع ظلم و ستمی را تحمل می‌کند، قدرت تشخیص را از دست می‌دهد و میان دوست و دشمن فرقی نمی‌گذارد، و بارها از یک سوراخ گزیده می‌شود. و مرتباً به قیادت و رهبری فریب‌کاران اعتماد می‌کند و کارنامه سیاهشان را زود از یاد می‌برد.

در این صورت است که سیاستمداران حرفه‌ای و رهبران خائن جرأت پیدا کرده و از سادگی و عدم درک ملت‌ها سوءاستفاده می‌نمایند».

علامه ندوی رحمته‌الله بعد از یادآور شدن این واقعیت تلخ چنین پیشنهاد می‌کند: «امروز مهمترین خدمت به امت اسلامی این است که باید در اقشار مختلف آن بیداری و درک و شعور بوجود آورد و به تربیت فکری و دینی و سیاسی توده‌ها اهتمام ورزید. ولی نباید فراموش کرد که بیداری و درک غیر از باسواد شدن و فرهنگی بودن است.

رهبران امت اسلامی این نکته را بدانند تا زمانیکه امت بیدار نشده و دارای درک و شعور نگردیده نمی‌توان به آن اعتماد نمود، هر چند در تعریف و تقدیر رهبرانش اغراق کند.

ملت غیر بیدار و فاقد درک همیشه دستخوش تبلیغات و هرج و مرج می‌گردد و مانند پرمرغی که در بیابان افتاده، آلت دست بادهای مخالف است و از خود استقلال ندارد»^(۱).

۳- حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: «المسلمون کجسد واحد اذا اشتكى منه عضو اشتكى له سائر الجسد بالسهر والحمى»؛ مسلمانان مانند یک پیکره هستند؛ هرگاه عضوی احساس ناراحتی و درد کند دیگر اعضاها نیز بیدار و بی‌قرار می‌شوند.

در پیکر انسانی قطعاً اهمیت بعضی از اعضاها بیشتر از

سایر اعضا است. لذا بر جامعه اسلامی لازم است اعضا نخبه و صاحبان استعدادهای درخشان را دریابد. نباید چنان جوی فراهم شود که مغزهای برگزیده در کشورهای اسلامی احساس تنگنا کنند و روانه کشورهای بیگانه شوند و استعدادهای سرشار خود را در جهت رشد و شکوفایی دشمنان اسلام صرف نمایند. اما در خود کشورهای اسلامی فقط عده‌ای متملق و چاپلوس و فاقد مهارت و ابتکار برگزیده مردم سوار شده و خود را مالک سیاه و سفید تصور کرده و احساس مصونیت نمایند.

۴- وحدت و ارتباط فراگیر:

اتحاد و اتفاق مقوله‌ای است که هیچکس اهمیت آن را انکار نمی‌کند. در سالهای اخیر آنقدر در این باره بحث و گفتگو شده است که گوش شنوندگان پر شده است.

اما متأسفانه اگر صحبتی از اتحاد به میان آمده منحصر در میان چند نفر از شخصیت‌های دولتی یا تنی چند از علما در قالب کنفرانس‌ها و جلسات و در حد شعار بوده است. اکنون احساس نیاز می‌شود که قدم‌های جدی و صمیمانه‌تری برای اتحاد واقعی و فراگیر جهان اسلام برداشته شود و موجبات ارتباط میان علما و خبرگان فراهم گردد، تسهیلاتی برای رفت و آمد به کشورهای اسلامی منظور شود.

متأسفانه سیاست بعضی از کشورها طوری است که بر اثر آن مسافرت به کشورهای اروپایی خیلی ساده‌تر و آسانتر از مسافرت به کشورهای اسلامی است. مسلماً در چنین وضعیتی برقراری ارتباط فرهنگی، تبادل نظر سیاسی و علمی و درک موقعیتهای دیگران و حسن استفاده از نکات خوب آنان و وحدت فراگیر، توأم با مشکلات می‌باشد.

۵- وحدت احزاب و گروهها؛

بعد از فروپاشی خلافت عثمانی و یورش فرهنگ غربی به جهان اسلام احزاب و گروههای متعدد در کشورهای متعددی بوجود آمدند.

هدف نخستین مؤسسين این گروهها همانا اصلاح اوضاع جامعه و تربیت فکری و عملی مسلمانان بود. اما بعد از گذشت مدتهای مدیدی چنین احساس می‌شود که بعضی از این گروهها بجای برقرار ساختن وحدت و هم‌فکری میان مسلمانان باعث جدایی و تفرقه میان

✓ بزرگترین
خطری که یک
ملت را تهدید
می‌کند و آن را در
معرض هر
خطری قرار
می‌دهد و بازیچه
منافقان
می‌گرداند، همانا
فقدان درک و
شعور سیاسی در
آن ملت است.

امت شده‌اند. و بطور ناخواسته مصداق «تفرقوا و اختلفوا» و «کل حزب بما لدیهم فرحون» گشته‌اند. و این در حالی است که شرایط امروزی جداً مقتضی این امر است که باید تمام گروهها و احزاب، از عناوین و شعارهای حساسیت برانگیز و روشها و برخوردهای تفرقه‌آمیز جداً دوری نمایند. تمام تلاش باید در جهت تقویت امت اسلام صرف گردد. از مصلحت‌های گروهی صرف‌نظر شود و حساسیت‌های حزبی و گروهی به نفع امت اسلامی و حزب‌الله ذوب گردد.

۶- استقلال علمی و صنعتی؛

امت اسلام با توجه به جایگاه جهانی‌اش لازم است در زمینه‌های علمی، فناوری روز و صنعت و تجارت و اقتصاد به سوی استقلال و خودکفایی پیش رود و هر چه زودتر صادراتش را بر وارداتش افزایش دهد. متأسفانه بیش از یک قرن می‌گذرد که جهان اسلام در یوزه‌گر غرب شده و همچنان وارداتش بر صادراتش افزون می‌گردد.

مسئله تا زمانیکه این وضعیت ادامه داشته باشد و جهان اسلام در علم و تکنولوژی و صنعت و تجارت به سوی استقلال پیش نرود و به تعبیر علامه ندوی حتی برای امضاء قراردادهایش با غرب به قلم ساخته شده غرب نیازمند باشد، بدیهی است که در مقابل غرب ذلیل و سرخورده خواهد بود.

همین است آن زمینه‌ای که جهان اسلام چند قرن نسبت به آن کوتاهی ورزید و سرانجام دچار بردگی طولانی و زندگی ذلت‌آمیز گردید.

چنانچه جهان اسلام باز هم در زمینه‌های علمی و صنعتی و استقلال‌طلبی در شئون زندگی مرتکب کوتاهی شود، مسلماً دوباره به بدبختی و مصیبت گرفتار خواهد شد.

احساس رسالت:

مسلمانان آخرین امتی هستند که خداوند متعال به آنان رسالت داده و برای دعوت الی‌الخیر و امر بالمعروف و نهی عن المنکر انتخاب نموده است. چنانکه می‌گوید: «هو اجتیکم»؛ او تعالی شما را برگزیده است. «کتتم خیر امة اخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر و تؤمنون بالله»؛ شما بهترین امتی هستید که برای مردم مبعوث شده‌اید امر به معروف می‌کنید و از منکر نهی می‌نمایید و به الله ایمان دارید.

براستی که این امت مصلح و منجی ملل جهان است و باید این را باور کند و برای این مهم قیام نماید. بدون تردید رشد و شکوفایی یک امت مرهون احساس آن امت نسبت به رسالتش است. امتی که حرفی برای گفتن و پیامی برای ملت‌های دیگر ندارد قطعاً تحت تأثیر افکار ملت‌های دیگر قرار خواهد گرفت. و امت به هر اندازه احساس رسالتش را از دست بدهد، به همان اندازه جایگاه و ارزشش را در اطلس جهان از دست خواهد داد.

اینجاست که باید مصلحان و خیرگان و صاحبان وجدان‌های بیدار بپاخیزند و از سر نو فرد فرد امت را نسبت به رسالتش در قبال امت‌های دیگر حساس و متعهد بار آورند، زیرا در واقع رسالت و هدف است که به انسان معنی می‌دهد و زندگی را جهت‌دار می‌نماید. آری امروز نیاز مبرم به این وجود دارد که باید فرد فرد امت را آموزش داد و متوجه کرد. و مسلماً هزار گفتار به یک کردار نمی‌ارزد.

آنگاه است که نگاه امت نسبت به تحولات جهان عوض می‌شود و جهان‌بینیش تغییر می‌کند و در هر حال موضع خود را برتر می‌بیند. «فلاتهنوا و لاتحزنوا و انتم الاعلون ان کتم مؤمنین».

امیدواریم اگر دلسوزان جامعه اسلامی به محورهای فوق توجه کنند و در این راستا گام‌های مؤثری بردارند، آنگاه می‌توان گفت که جهان اسلام در یک آزمایش بزرگ پیروز گشته و وضعیت موجود را به نفع خویش تغییر داده و مصداق این شعر اقبال قرار گرفته است:

راست گویم که عدو هم یار تست
هستی او رونق بازار تست
کشت انسان را عدو باشد سحاب
ممکناتش را برانگیزد ز خواب
هر که دانای مقامات خودی است
فضل حق داند، اگر دشمن قوی است

علامه محمد اقبال لاهوری رحمته‌الله با توجه به چشم‌انداز آینده اوضاع به سوی همین حقیقت متوجه کرده می‌گوید:

پس چه باید کرد ای اقوام شرق
باز روشن می‌شود ایام شرق
و ما ذلک علی الله بعزیز، لانه علی کل شی قدیر.
و هو المستعان و علیه التکلان و حسبنا الله و نعم الوکیل.
«سردبیر»

ندای اسلام

شماره ۱۴ • تابستان ۸۲



✓ چنانچه

جهان اسلام باز هم در زمینه‌های علمی و صنعتی و استقلال‌طلبی در شئون زندگی مرتکب کوتاهی شود، مسلماً دوباره به بدبختی و مصیبت گرفتار خواهد شد.